

بررسی نحوه و میزان تأثیرگذاری آموزه‌های اسلام بر ارکان و اصول شهرسازی ایران (قبل از ورود اسلام)

مینو علیخانی*، ندا محمدرحیم پناه**، سعید شریف کاظمی***

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۷/۱۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۵/۲۷

نوع مقاله: پژوهشی - ۲۷-۴۵

چکیده

هر شهر از دل یک فلسفه و ایدئولوژی ویژه تحقق و بسته به شرایط (فیزیکی، طبیعی و سیاسی موجود) رنگ و بوی خاص خود را پیدا می‌کند. همچنین به استناد به آنچه تاکنون در جهان رخ داده است هر اندیشه مانایی دارای ویژگی‌های خاص متعلق به خود داشته است. ادیان آسمانی نیز به‌عنوان یک ایدئولوژی و فراپارادایم، مبانی ویژه‌ای را در خصوص شهرها داشته‌اند که براساس آنها شهر، شکل می‌گرفته است. هدف از انجام این پژوهش آن است که بتوانیم به یک تراز قیاسی و تطبیقی در خصوص تطابق آموزه‌های اسلام با اصول و ارکان شهرسازی ایرانی برسیم. بدان معنا که تا چه میزان اصول شهرسازی ایران قبل از اسلام با آموزه‌های اسلام تطابق دارد. به‌منظور دستیابی به این شناخت، با استفاده از روش اسنادی- کتابخانه‌ای و با رویکرد توصیفی- استنباطی، شاخص‌های استخراج شده در قالب مهم‌ترین شاخص‌های کیفی در آموزه‌های اسلام و اصول شهرسازی ایرانی (قبل از ورود اسلام) مورد مقایسه قرار گرفت. در نهایت با کمی‌سازی شاخص‌های کیفی این نتیجه حاصل گردید که ورود اسلام به ایران به‌صورت یک مرهم ترمیمی و تکمیلی در جهت اصلاح آنچه وجود داشته، عمل نموده است.

کلیدواژه‌ها: شهر اسلامی، اصول شهرسازی ایرانی، آموزه‌های اسلامی، ارکان اسلامی، شهر ایرانی.

* نویسنده مسئول: دانشجوی دکتری شهرسازی، واحد علوم تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

** کارشناسی ارشد شهرسازی، واحد علوم و فناوری پردیس، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

persianchief@gmail.com

*** دانشجوی دکتری شهرسازی، واحد علوم تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران



مقدمه

یکی از دغدغه‌های موجود در ارتباط میان شهرسازی ایران قبل از اسلام و پس از اسلام، بررسی تغییرات احتمالی است که مشخصاً به تأثیر از آموزه‌های اسلامی ایجاد شده است. دیدگاه‌های مختلفی در این خصوص وجود دارد؛ برخی بر این باورند که آموزه‌های اسلام ارتباطی با اصول شهرسازی ندارد و تنها در خصوص علوم انسانی و رفتاری دارای دستورالعمل است (بمانیان، ۱۳۹۳: ۵). در حالی که گروهی دیگر معتقد هستند حتی اگر اسلام دستورالعمل‌هایی در خصوص علوم شهرسازی نیز داشته باشد، در خصوص ایران قابل بررسی نیست و اسلام در شهرسازی ایرانی تأثیری نگذاشته است. گروهی دیگر معتقدند اگرچه اسلام و آموزه‌های آن پس از ورود به ایران، منجر به ایجاد تغییراتی در حوزه شهرسازی شده است لیکن میزان این تغییرات خود دارای سطوح مختلف است که منجر به و ایجاد اختلاف نظراتی در این خصوص شده است (نقی‌زاده، ۱۳۸۹: ۶۰). بنابراین این اختلاف نظرات را می‌توان در ۳ دسته تقسیم‌بندی نمود؛ الف) ورود اسلام به ایران با یک جراحی تمام‌عیار در اصول شهرسازی همراه بوده است، ب) ورود اسلام به ایران به صورت یک مرهم ترمیمی در جهت اصلاح سطوحی از آنچه وجود داشته، عمل نموده است و در نهایت ج) ورود اسلام به ایران به صورت یک جهان‌بینی تکمیلی در جهت تقویت و به‌کمال رساندن آنچه وجود داشته، عمل نموده است. برای دست‌یافتن به اینکه کدام یک از این گروه‌ها به واقعیت امر نزدیک‌تر است دو شیوه پژوهش وجود دارد. اول اینکه یک مقایسه جزئی در میان شهرها قبل از اسلام و پس از اسلام انجام پذیرد تا از میزان تمایزات بتوان به تغییرات حاصله ناشی از اسلام پی برد. نقطه ضعف

این شیوه پژوهش آن است که تا چند قرن پس از ورود اسلام می‌بایست برای مطالعه قیاسی در نظر گرفته شود و اینکه چگونه می‌توان تأثیرات حاصل از وقایع تاریخی است و غیر از اسلام در دوره‌های پس از اسلام را از تأثیرات تنها ناشی از اسلام بر روی شهرهای ایرانی تمیز داد. شیوه دوم پژوهش در این حوزه که در این مقاله نیز بر همین اساس موضوع مورد بررسی قرار گرفته است، مطالعه قیاسی میان اصول شهرسازی ایران قبل از اسلام با آموزه‌های اسلام است. نقطه قوت این روش آن است که مقایسه تطبیقی خارج از تأثیرگذاری سایر وقایع تاریخی است و مشخصاً تأثیر یا عدم تأثیر آموزه‌های اسلام بر روی اصول و ضوابط شهرسازی ایران مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. البته در خصوص چنین پژوهش‌هایی می‌بایست کیفی بودن مطالعات و همراهی خطا بودن کمی کردن شاخص‌های کیفی را پذیرفت. هدف از این مقاله آن است که بتوان با ایجاد یک تراز مقایسه‌ای و تطبیقی در خصوص تطابق آموزه‌های اسلام با اصول شهرسازی ایران به دو سؤال پژوهش پاسخ داد. ۱- انطباق میان اصول شهرسازی ایرانی و آموزه‌های اسلامی به چه صورت است؟ و ۲- آموزه‌های اسلام در ارتباط با اصول شهرسازی ایرانی به چه صورت عمل نموده است؟ تا بتوان دریافت که تا چه میزان و چگونه دین اسلام بر روی شهرسازی ایران تأثیر گذاشته است. برای این منظور دو فرضیه اساسی برای پژوهش در نظر گرفته شده که عبارتند از: ۱- اسلام با ورود خود به ایران قطعاً باعث ایجاد تغییراتی در این شهرها شده است. ۲- قبل از ورود اسلام به ایران، شهرهای ایرانی براساس اصول جهان‌بینی خاص خود شکل گرفته بودند و دارای مکتب، خط فکری و ضوابط مخصوص به خود بوده‌اند.

پیشینه تحقیق

مطالعات و پژوهش‌های انجام شده در این خصوص عمدتاً در خصوص بررسی آموزه‌های اسلام مرتبط با شهر پرداخته شده است. لیکن مطالعه‌ای در راستای تطابق و میزان تأثیرگذاری اسلام بر روی شهرسازی ایرانی انجام نشده است. لذا مقاله مذکور تا حدودی در بحث موضوعی دارای بداعت است. طبق بررسی‌های انجام شده، صاحب‌نظران در حوزه مطالعاتی موردنظر به دو دسته موافقین و مخالفین تقسیم‌بندی می‌شوند. دسته اول موافقین و نظریه‌پردازان معتقد به منشأ فرهنگ و تمدن اسلامی برای شهر اسلامی که عبارتند از: ۱- ریچارد فرای^۱: اسلام اساساً دینی شهری است^۲ - سیناسور^۳: اسلام تمدنی بنیادگرا، سازنده و شهری است - جوزف ارنست^۴: نهادها و تأسیسات جامعه مسلمین نقش سازنده و مثبتی در اسلام داشته‌اند. ۴- مارسی: اسلام در گسترش یافتن زندگی شهری نمودار شده است ۵- ابن خلدون^۵: سیستم فرهنگ شهری با ظهور اسلام در همه جا گسترش یافت (نجفی و آریانژاد، ۱۳۹۵: ۶۰). ۶- آرمسترانگ^۶: این دین نیز مانند همه ادیان بزرگ و آیین‌های مختلف فلسفی محصولش شهر بود ۷- ولش^۷: اسلام هم یک سنت دینی و هم یک تمدن است. ۸- گویشین^۸: آثاری که اسلام از خود برجای گذاشته، انقلابی در تاریخ تمدن جهان به شمار می‌رود (پورجعفر و همکاران، ۱۳۹۴: ۵).

دسته دوم مخالفین که معتقد به رابطه ایمان اسلامی و زندگی شهری هستند از جمله:

۱- بنت: اسلام ساختار شهرهای فتح شده را دوباره شکل داده است. ۲- ژرژ مارسی: رابطه بین ایمان اسلامی و زندگی شهری را مطرح می‌کنند. ۳- میچون: رابطه بین ایمان اسلامی و زندگی شهری را مطرح می‌کنند (پورجعفر و همکاران، ۱۳۹۴: ۶). مخالفین و نظریه‌پردازان معتقد به تقلید شهر اسلامی از شهرهای قدیمی رومی و یونانی: معتقد به عدم استمرار تاریخی شهر اسلامی، معتقد به بی‌قاعدگی شهر مدنظر فرهنگ اسلامی، معتقد به تفاوت ویژگی‌های شهر مدنظر فرهنگ اسلامی با شهر مدنظر عموم متخصصین و به‌طور کلی، نظریه‌هایی که شهر در قلمرو فرهنگ اسلامی را فاقد تداوم استمرار تاریخی می‌دانند (پورجعفر و همکاران، ۱۳۹۴: ۶).

نوآوری پژوهش فعلی در آن است که ضمن بررسی ایدئولوژی‌های غیرقابل انکار اسلام، تأثیر آن بر اصول شهرسازی ایران بررسی شده است به گونه‌ای که هیچ‌یک از اصول ایرانی و آموزه‌های اسلامی نفی نمی‌شود.

مبانی نظری

هر ایدئولوژی فکری و هر مکتب اعتقادی، اجتماعی و غیره، پس از ورود به یک بستر جغرافیایی خاص در جهت اعمال آموزه‌های خود بر آن بستر تلاش می‌نماید به گونه‌ای که در حد امکان به ایجاد تغییر در اصول حاکم بر موقعیت فیزیکی مذکور می‌پردازد. اسلام نیز قبل از هر چیزی یک ایدئولوژی فکری - عقیدتی برگرفته از آموزه‌های مذهبی و آسمانی بوده که پس از ورود به بستر جغرافیایی ایران مانند هر ایدئولوژی دیگر به دنبال ایجاد رنگ و بوی خود بر آن ساختار فیزیکی برآمد. در این راستا نظریه برخی از صاحب‌نظران راهگشا است از جمله کارل مارکس در این باره معتقد است مردم در جوامع سنتی قبیله‌ای زندگی می‌کردند و بر بعد مشارکت و شناس بودن

1. Richard Nelson Frye

2. Mohammad Allal Sinaceur

3. Renan, Joseph Ernest

4. Ibn Khaldun

5. Karen Armstrong

6. A.T Welch

7. Shelomo Dov Goitein

افراد در جامعه تأکید داشت. یا امیل دورکیم^۱ معتقد است خودکفایی و انسجام اجتماعی براساس همانندی‌ها و شباهت‌ها میان افراد یک جامعه در جوامع عمومیت داشته و نظم و بقای جامعه به اعتماد آنها به یکدیگر برای انجام وظایف خاص‌شان بستگی دارد (کلانتری و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۸) که بیانگر تأثیر ایدئولوژی فکری بر شیوه زیست و بعد کالبدی سکونتگاه است. به همین منظور در ابتدا اصول فکری و ایدئولوژی اسلامی و سپس اصول شهرسازی ایرانی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

- شهر اسلامی

درخصوص تعریف شهر اسلامی، اولین دیدگاهی که با آن مواجه هستیم، دیدگاه شرق‌شناسان از شهر اسلامی است. شرق‌شناسان، عمدتاً فرانسوی، با مطالعه کالبدی شهرهای شمال آفریقا، آن را جعل کرده و پاره‌ای از ویژگی‌ها را، درباره شهرهایی که با آن برخورد داشتند (نه همه شهرهای مسلمانان) بیان نموده و آن را به شهر اسلامی نسبت دادند. در صورتی که این ویژگی‌ها برخی به اقلیم و برخی به درهم‌آمیختگی آداب و رسوم سرزمینی با فرهنگ اسلامی، بازمی‌گردد که هیچ‌کدام ارتباط مستقیم با آموزه‌های تکوینی و تشریحی جهان‌بینی اسلامی ندارد (پورمحمدی و همکاران، ۱۳۹۸: ۳۵). از طرفی آراء و اظهارنظر مستشرقین غربی بر جوامع کشورهای مشرق زمین، چنان گسترده و همه‌جانبه است که حتی تشخیص متعلقات این جوامع را برای خودشان نیز دشوار می‌نماید. این سیطره در مقوله شهر، معماری، هنر و... نیز به شدت احساس می‌شود (نقی‌زاده، ۱۳۸۹: ۱۲). از طرفی با توجه به فقدان مطالعات جامع در این حوزه می‌توان گفت در حال حاضر تعریف متفق‌القول از شهر اسلامی وجود ندارد و بهترین مناسب‌ترین شیوه در دستیابی به یک تعریف

دقیق، تبیین ویژگی‌های شناخت آن پدیده از جمله مبانی، ارکان، الگو، صفات و اصول است (نقی‌زاده، ۱۳۹۸: ۱۱). از آنجایی که دین اسلام و آموزه‌های آن داعیه سامان‌بخشی به همه عرصه‌های مرتبط با معاد و معاش افراد بشر را دارد (اصغری، ۱۳۸۵: ۸۸) و با قبول این مطلب که هر مذهب، مکتب و جامعه‌ای، شهری مختص به خود را می‌اندیشد و تحقق می‌بخشد؛ می‌توان گفت به‌منظور شناخت تأثیر اسلام بر روی اصول طراحی شهر، می‌بایست مبانی (اصول و ارکان و به عبارتی آموزه‌های اسلام) را درخصوص شهر مورد مطالعه قرار داد (محمدی و همکاران، ۱۳۹۱: ۳۴).

- **مبانی شهر اسلامی:** مبانی به آن دسته موضوعات یا اصول بنیادینی اطلاق می‌شود که در همه ابعاد مربوط به یک جهان‌بینی صادق، جاری، ساری و مشهود است. این مبانی اصولی هستند که هر موضوعی از آنها متأثر بوده و با بهره‌گیری از آنها، پیروان خود را به همان اصول برساند (پورمحمدی و همکاران، ۱۳۹۸: ۳۴). به‌طور کلی مبانی شهر اسلامی از دو منبع کلی استخراج می‌گردد؛ ۱- شرق‌شناسان: که عمدتاً کالبدمحور بوده و عناصر فرمال شهر را مورد بررسی قرار می‌دهند. از دیدگاه این دسته شهر اسلامی به صورت یک ابژه خارج از متن اجتماعی، سیاسی و فرهنگی و خارج از بعد زمان است. این گروه ارکان شهر را در دو بخش کالبدی (دسترسی، خدمات شهری، استحکامات) و غیرکالبدی (امت، نهادهای اجتماعی و حاکمیت) تقسیم‌بندی می‌کنند. ۲- اندیشمندان بومی: که عمدتاً متون محور بوده و بیشتر بر آیات و روایات مربوط به شهر متمرکز است. در این گروه ویژگی‌های مربوط به شهر عمدتاً از متون اصلی اسلام، سبک زندگی پیامبر و مدینه‌النبی استخراج می‌شود و تأکید آنها بیشتر بر سبک زندگی جامعه مسلمین و شیوه اخلاق و رفتار آنها

1. Emile Durkheim

مردم در شهرسازی نقش مهمی بر عهده دارد. لذا بالطبع تهیه الگویی بومی که بر پایه آموزه‌های اسلامی و متناسب با بستر موقعیت مکانی باشد، حائز اهمیت است (اصغری، ۲۰۰۶: ۹۵).

- اصول شهرسازی ایرانی: قبل از پرداختن به این بخش شایان ذکر است با توجه به هدف و روش پژوهش، منظور از شهرسازی ایرانی دوره‌های قبل از ورود اسلام به ایران است. علیرغم مطالعات گسترده در خصوص ویژگی شهرهای ایرانی قبل از اسلام در این بخش تنها به توضیح مختصری از تاریخ ایران پرداخته شده است. به‌طور کلی سیر تحول و تطور سبک و شیوه، فرایند شهرنشینی، شهرگرایی و شهرسازی در ایران در این دوره تاریخی در دو دوره قابل بررسی است (جدول ۱) (حبیبی، ۱۳۷۸: ۶۵).

است. از نقطه نظر صاحب نظران این گروه ارکان شهر به دو بخش کالبدی (محلّه، مرکز شهر، حومه) و غیرکالبدی (ملت، حاکم الهی و قانون) تقسیم می‌شوند (پورمحمدی و همکاران، ۱۳۹۸: ۴۲).

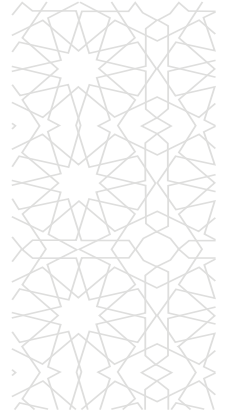
اسلام به‌عنوان دین و سنت الهی، زیست انسان‌ها و به‌عنوان فلسفه زندگی در همه زمان‌ها و مکان‌ها، اصول و ارزش‌هایی را برای زندگی انسان معرفی و توصیه نموده است. این اصول شهر و ساختمان را فراتر از سرپناه و مکان دانسته و رشد و تعالی معنوی انسان را در بهبود آنها جست‌وجو می‌کند. جلوه‌ها و تجلیات شهر اسلامی، مشتمل بر راهبردهایی هستند که حاصل تعامل ویژگی‌های مطرح برای «مبانی»، «ارکان»، «اسوه» و «صفات» شهر اسلامی است. برای رسیدن به اهداف جامعه اسلامی، هویت‌مندی و اعتلای فرهنگ و اخلاق

جدول شماره ۱: سیر تحول سبک و فرایند شهرنشینی، شهرگرایی در ایران

دوره	زیردوره	مشخصه اصلی	ویژگی‌ها
قبل از اسلام (۹ ق.م تا ۴ ق.م)	حکومت ماد/ هخامنشی / حمله اسکندر	تولد و شکل‌گیری شار	سبک پارسی
	سلوکیان (بعد از حمله اسکندر)		شهر پارسی - هلنی / اختلاط عملی و نظری در نحوه تفکر و نگرش به جهان
	اشکانیان و ساسانیان		بالندگی مفهوم شار/ سازمان‌یافتگی کامل شار/ ابداع و سازماندهی مجدد مفهوم شار/ سبک پارسی
بعد از اسلام (۱۱ ه.ق تا ۴ ه.ق / ۷ تا ۱۱ م)	دوره اولیه اسلام (عثمانی و امویان) دیلمان	تولد و شکل‌گیری شار اسلامی	تولد سبک خراسان/ شار آزاد و آزاداندیش
	سلجوقیان/ خوارزمشاهیان		اوج تجدید حیات علمی، ادبی و هنری/ تولد سبک رازی/ شار قدرتمند و یکسونگر
	ایلخانیان/ اتابکان/ ترکمانان/ گورکانیان		حضیض و از بین رفتن مفهوم شهرگرایی، شهرنشینی و شهرسازی/ تولد سبک آذری
	صفوی (سبک اصفهان)		ابداع مجدد مفهوم شار/ تولد سبک و مکتب اصفهان

که می‌توان گفت دو شیوه عمده شهرنشینی همراه با سازمان فضایی - کالبدی مربوطه و یک شیوه شهرنشینی و شهرگرایی گذرا بین این دو شیوه قابل تأمل است.

به عبارتی قبل از اسلام با دو سبک عمده و یک میان‌سبک، نحوه استقرار انسان در مقیاسی بالاتر از روستا شکل می‌گیرد که در جدول شماره ۲ مشخصاً بیان شده است



جدول شماره ۲: شیوه استقرار سکونتگاه‌ها در ایران

دوره تاریخی	ویژگی‌های عمده	مشخصه‌های قابل تمایز
شیوه پارسی	ساخت اولین شار مادی الهام گرفته از شهر- تپه‌های بین‌النهرین شروع و با شکوفایی شارهای پارسی در شوش و پاسارگاد به اوج خود می‌رسد/ ایجاد شهر- معبد و شهر- قدرت / تشکیل دولت و قرار گرفتن آن در ورای همه سازمان‌های اجتماعی- اقتصادی موجود/ تبلور فضایی-کالبدی دولت	تلفیق سه مقوله عمده جهان‌بینی، اقتصاد و محیط
شیوه پارسی- هلنی	تلفیق شهر- دولت های یونانی با فرهنگ شهر- قدرت های شرقی	دولت قاهر، متمرکز و ورای طبقات دوران ماد و هخامنشی
شیوه پارتی	پیدایش نوشهرهای سوق‌الجیشی و تعمیم مفهوم شهر به منطقه‌ای فراتر از محدوده‌های کالبدی بلافاصله آن/ ایجاد مفهوم منطقه‌ای با استیلا بر سازمان اجتماعی تولید	تأمین امنیت کشور از طریق شهر/ پیدایش مفهوم منطقه‌ای

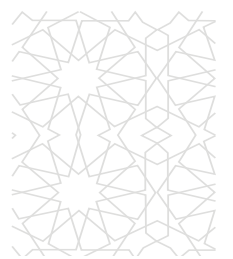
روش تحقیق

در پژوهش حاضر ابتدا ادبیات مربوط به شهرسازی اسلامی (آموزه‌های اسلام که بر ایجاد شهر تأثیرگذار هستند) و شهرسازی ایرانی (اصول شهرسازی مربوط به ایران قبل از اسلام) مورد مطالعه قرار گرفت و سپس از مطالعات کتابخانه‌ای، مقالات علمی، کتاب‌ها، گزارش‌ها و اطلاعات موجود در متون تخصصی و علمی مربوطه، مهم‌ترین شاخص‌های ارزیابی در قالب ارکان شهر اسلامی، آموزه‌های اسلام و صفات شهر

اسلامی استخراج شد (جدول ۳). در انتها نیز یک مقایسه اجمالی بین این دو دسته از ضوابط انجام شده که نتایج آنها اختصاراً در جدول ۵ ارائه شده است. از میان شاخص‌ها و معیارهای بررسی شده، براساس دسترسی به داده‌ها (منتج از متون و منابع موجود) و نیز مهم‌ترین موارد مرتبط با نیازهای انسان مابنه ازاء ساحت‌های حیاتی وی، ۱۱ شاخص جهت تطابق دو بخش پژوهش انتخاب شده است (جدول ۴). که در نهایت به‌صورت بولینی کمی‌سازی شده‌اند.

جدول شماره ۳: مهم‌ترین شاخص‌های ارزیابی در ارکان و آموزه‌های اسلام

ردیف	نوع معیار	معیارها	رویکرد
۱	ویژگی‌ها و صفات	تجلی توحید، شهر عبودیت و عبادت، شهر تقوی، هدایت، تذکر و تفکر، عدالت، شهر اصلاح، شهر عبرت، شهر امنیت، شهر احسان، شهر اعتدال	برگرفته از مبانی و اصول متصف بر هر آنچه به صفت اسلامی مزین است (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۰۵) / (مکارم شیرازی، ۱۳۹۰: ۴۵) / (کلینی، ۱۳۷۶: ۱۱۲)
۲	ابعاد	فرهنگی، اجتماعی، مدیریتی و کالبدی	نهج البلاغه (فولادوند، ۱۳۷۷: ۶۰)
۳	صفات عملکردی و معماری که مشخصاً با زیست‌پذیری شهر مرتبط است.	امنیت اجتماعی / فراوانی رزق و زراعت / طیب (حاصل‌خیزی) یا به عبارتی تأمین آسایش زیست و زیست‌پذیری / ایمنی فیزیکی / بهداشت	آیات قرآن (فولادوند، ۱۳۷۷: ۱۷) / (حر عاملی، ۱۳۷۲: ۱۴)
۴	ارکان شهر	انسان / مقررات و قوانین / محیط فیزیکی / اصول ساخت	آیات قرآن (فولادوند، ۱۳۷۷: ۸۰) / (حکیمی، ۱۳۸۸: ۶۵)



جدول شماره ۴: شاخص‌های منتخب در پژوهش

شاخص	دسته بندی		
	مدیریتی	اجتماعی	کالبدی
تجلی توحید		●	●
عبودیت و عبادت			●
تقوی		●	
تذکر			●
عدالت		●	●
اصلاح	●		●
عبرت	●		●
امنیت	●	●	
میانه		●	●
اصول ساخت شهر		●	
بهداشت	●	●	

در این پژوهش بررسی شاخص‌ها به صورت کیفی انجام و سپس با استفاده از شیوه بولینی صفر و یک، شاخص‌های کیفی به صورت کمی تبدیل شده است و در نهایت با استفاده از یافته‌های کمی شده نهایی، نتیجه‌گیری بر اساس اهداف انجام پذیرفت. روش پیشنهادی در روند کمی‌سازی بدین صورت است که با فرض میزان ۱۰۰ سهم عددی هر شاخص بر اساس تعداد شاخص‌ها به دست آمده است. برای نمره‌دهی شاخص‌ها از روش بولینی استفاده شده است یعنی داشتن یا نداشتن تطابق شاخص به منظور دریافت یا عدم دریافت سهم عددی شاخص لحاظ شده است. به عبارت دیگر، در خصوص هر معیار یا شاخص تعدادی زیرمعیار منتج از ادبیات موضوعی مربوط به شاخص مورد نظر تعیین شده است. لازم به ذکر است به دلیل آنکه هدف، سنجش میزان انطباق اصول شهرسازی ایرانی با آموزه‌های اسلام می‌باشد، در جدول شماره ۵ در قسمت مربوط به اسلام، توضیح زیرمعیار ارائه شده است و در قسمت مربوط به شهرسازی ایرانی، زیرمعیار مربوطه در اصول شهرسازی ایرانی مورد سنجش قرار گرفته است. در سنجش موضوع نیز بسته به انطباق یا عدم

انطباق برای هر معیار دو حالت ایجاد شده که عبارتند از: ۱- چنانچه معیار مورد نظر در شهرسازی ایرانی دارای مصادیق انطباقی باشد، به صورت کیفی علامت (+) در ستون مربوطه درج می‌گردد، که به لحاظ کمی شدن عدد ۱۰۰ به آن تعلق می‌گیرد، ۲- چنانچه معیار مصادیقی در شهرسازی ایرانی نداشته باشد، به صورت کیفی علامت (-) و به لحاظ کمی امتیاز صفر به آن تعلق می‌گیرد. در خصوص معیارهایی که دارای تعدادی زیرمعیار است، ارزیابی برای هر زیرمعیار به صورت مجزا انجام و اعداد کمی هر زیرمعیار با یکدیگر تجمیع و امتیاز نهایی معیار مشخص می‌گردد. نحوه اختصاص امتیاز در ادامه شرح داده شده است.

همچنین به منظور دستیابی به هدف اصلی مقاله، یک فرض استنباطی در خصوص تحلیل نتایج در چارچوب مقاله در نظر گرفته شده است، بدین صورت که چنانچه رتبه‌بندی و امتیاز نهایی مطالعات در دامنه ۰ تا ۳۳٪ قرار گیرد، نشان می‌دهد که فاصله میان اصول شهرسازی ایرانی و آموزه‌های اسلام بسیار زیاد بوده و این بدان معناست که با در نظر گرفتن اسلام به عنوان یک

مکتب کامل و پذیرفتن تأثیرپذیری قطعی شهرهای ایرانی از اسلام، قطعاً آموزه‌های اسلام منجر به ایجاد تغییرات گسترده در مبانی شهرسازی ایرانی شده است به گونه‌ای که می‌توان از آن به جراحی تمام‌عیار یاد نمود. از طرفی چنانچه امتیاز نهایی در دامنه ۳۳ تا ۶۶ درصد واقع گردد، نشان‌دهنده وجود یک جهان‌بینی کامل در شهرسازی ایرانی است که در برخی موارد نیازمند اصلاحات ترمیمی است. یعنی شهرهای ایرانی از اصول و ضوابط کاملی در حوزه شهرسازی برخوردار

بوده و بسته به شرایط اقلیمی یا حاکمیت وقت در آن دوران در برخی موارد نیازمند اصلاحات ترمیمی است و در نهایت چنانچه امتیاز به دست آمده بالاتر از ۶۶ درصد باشد می‌توان نتیجه گرفت که شهرسازی ایرانی دارای مکتبی کامل و بدون نقص بوده و بی‌تأثیر از اسلام و یا تأثیرپذیری تقویتی از آموزه‌های اسلام به حیات خود ادامه داده است. در ادامه به تحلیل نتایج ارائه شده در جدول شماره ۵ پرداخته شده است.

جدول شماره ۵: مقایسه کیفی معیارها (زیرمعیارها) و کمی‌سازی آنها

کمی‌سازی شاخص	بررسی کیفی شاخص			بررسی زیرشاخص در شهر ایرانی قبل از اسلام	بررسی زیرشاخص در آموزه‌های اسلام	معیار یا شاخص (صفت / رکن)	ردیف
	فاقد تطابق (-)	دارای تطابق میانه (-/+)	دارای تطابق (+)				
۱۰۰			+	شهر در شیوه پارسی و پارتی مظهر وحدت است. / مکان جمع‌شدن سه جامعه به دور یک مکان مرکزی است / به دنبال مترکیم و متمرکز کردن کل جوامع در کنار یکدیگر است / وجود وحدت اجتماعی کار / بیانگر تأثیر متقابل انسان، فرهنگ روش زیست‌محیطی و اخلاق و محیط زندگی بر یکدیگر معرفی می‌کند / به وحدت بیانی / رونق و آبادی شهر /	تجلی‌گاه وحدت‌هایی که اولاً تعالیم اسلامی به آنها توصیه نموده است و ثانیاً بتوانند جامعه را به وحدت اصلی رهنمون کنند. در سه حوزه مجزا مورد بحث است. ۱- وحدت جامعه: پیوند ناگسستی با وحدت جامعه و نه تفرق مردم دارد. از راه رفع تقابل براساس قوانین و مقررات / سلسله‌مراتب شهری / فضاهای دارای قابلیت تعامل اجتماعی / مهرورزی، محبت، کمک به مردم و رفتارهای متناسب با کمالات اخلاقی / تعاملات اجتماعی نیازمند آموزش / براساس دستورات اسلامی قابل تدوین بوده.	تجلی توحید	۱
			-	در شهرهای پارسی و پارتی براساس تقسیمات اجتماعی محل زندگی اکثریت اقشار در محلی جدا از طبقات ممتاز است / نوآوری و خلاقیت پرهیز از نماهای تکراری و یکنواخت و توجه به نوآوری و خلاقیت.	۲- وحدت کالبد: کل متشکل از جزءهای حامی و تقویت‌کننده و مکمل یکدیگر / متشکل از محلات متجانس و بهره‌مند از امکانات هماهنگ / فاقد قدرت مادی / دارای مقیاس انسانی.		
			+	همواره در جهت استفاده از طبیعت و ایجاد شهرها با لحاظ نمودن طبیعت بدون تخریب آن بوده‌اند / طبیعت‌گرایی اولویت استفاده از عناصر طبیعی در تلفیق با لیه‌ها و بدنه‌ها	۳- وحدت با طبیعت: شهر بر ضد طبیعت و مخرب آن نیست بلکه عامل و وسیله اصلاح و عمران زمین است.		

ردیف	معیار یا شاخص (صفت / رکن)	بررسی زیرشاخص در آموزه‌های اسلام	بررسی زیرشاخص در شهر ایرانی قبل از اسلام	بررسی کیفی شاخص		
				دارای تطابق (+)	دارای تطابق میانه (-/+)	فاقد تطابق (-)
۲	عبودیت و عبادت	به دو حالت مطرح در مجتمع‌های زیستی مطرح می‌گردد: یکی القاء بندگی حق و زمینه‌سازی برای امکان ظهور و دیگری توجه به عناصر شاخص عبادتی و نیایشی همچون مسجد	فارغ از لحاظ نمودن نوع مذهب در شهر مادها وجود شهر- معبد و در شهرهای هخامنشی و اشکانی وجود معابد در دژ حکومتی و در شهر ساسانی وجود آتشکده‌ها به‌عنوان عنصر کالبدی عبادتی حاکی از وجود عبودیت و عبادت در شهرهاست	+		۱۰۰
۳	تقوی	تنها عامل برتری افراد بر یکدیگر میزان تقوی آنها نسبت به خالق هستی است.	وجود طبقات اجتماعی به‌عنوان طبقات ممتاز در شهرها و جدا نمودن این طبقات از اکثریت ساکنان شهر نشان‌دهنده فقدان تقوی در معنای عام کلمه است		-	۰
۴	تذکر	حالت تذکردهی در شهر در سه مقوله قابل بررسی است: ۱- تماس با طبیعت: مهیا نمودن طبیعت برای مردم با حداقل دخالت انسان و خارج نمودن آن از حالت بکر/ ۲- بهره‌گیری از نشانه‌ها و نمادها/ ۳- بهره‌گیری از آیات قرآنی	استفاده از طبیعت بدون تعارض با آن از پارامترهای تذکردهی در شهرها است. درخصوص مورد ۳ داده‌ای موجود نیست.	-/+		۵۰
۵	عدالت	انتخاب مکان و واگذاری نقشی خاص به هر عضو به‌گونه‌ای که بهتر از آن ممکن نباشد که در شهر از طرق مختلف حاصل می‌گردد: تنظیم روابط اجتماعی، دسترسی یکسان آحاد جامعه به امکانات، رجحان انسان بر ساخته خویش و ...	وجود طبقات اجتماعی به‌عنوان طبقات ممتاز در شهرها و جدا نمودن این طبقات از اکثریت ساکنان شهر/ وجود نظام کاستی در شهر ساسانی و جلوگیری از برخورداری یکسان از امکانات نقض عدالت است.		-	۰
۶	اصلاح	اصلاح زمین و نه فساد در آن/ عمل مخرب بر طبیعت نیست بلکه زمینه‌ساز بهره‌گیری مناسب از آن برای اهداف انسان است.	وجود دیوان کاست افزود در دوره ساسانیان در راستای گرش بر ساختن آباره‌ها و شترگلوها برای گذراندن آب کانال یا جوی، از پهنای کانال یا دره‌ها در میانه راه/ ساخت و کندن بالشت‌ها اشاره نمود که برای بازگرداندن آب‌های افزونی از کشتزارها به بستر رودخانه اصلی، یا دریاچه یا دریا و لایروبی آنها/ کندن کانال‌ها و شاخه‌های آن برای رسانیدن آب رودخانه‌ها به کشتزارها بوده	+		۱۰۰

ردیف	معیار یا شاخص (صفت / رکن)	بررسی زیرشاخص در آموزه‌های اسلام	بررسی کیفی شاخص		
			دارای تطابق (+)	دارای تطابق میانه (-/+)	فاقد تطابق (-)
۷	عبرت	تداوم تاریخی شهر و ارتباطش با گذشته به‌عنوان یک منبع شناخت و اصلاح راه و انتخاب مسیر درست	+		
۸	امنیت	از بین بردن زمینه آزار دیدن اهل شهر و تأمین امنیت در مقابل پدیده‌های خارجی / جایگاه ویژه آسایش و آرامش در محل سکونت در اسلام / در احادیث بسیاری خانه بزرگ سعادت شمرده شده و می‌توان مهم‌ترین دلیل این امر را در آرامش و آسایش دانست.	+		
۹	میانه	عدم وجود ریا و تفاخر / عدم اختصاص اکثریت امکانات در خدمت عده‌ای خاص / عدم توجه متفاوت به اقشار مختلف			-
۱۰	اصول ساخت شهر	اصول سلسله‌مراتب / اصل کثرت / اصل وحدت / اصل تمرکز / اصل تجمع / اصل عدم تمرکز / اصل تباین / اصل اتصال / اصل تناسب / اصل تداوم / اصل توازن / اصل قلمرو / اصل ساده‌گی / اصل پیچیدگی / اصل استقرار / اصل ترکیب / اصل زمان / اصل ایجاز	+		
۱۰۰	کمی‌سازی شاخص	الگو گرفتن شهر ماد از مظاهر تمدن بین‌النهرین / استفاده از مظاهر پیشرفت از تمدن‌های موجود در ابعاد مختلف بازرگانی، اقتصادی، اجتماعی و... در دوره هخامنشیان / بازگشت شهرهای پارتی به شهر پارسی			
۱۰۰		وجود طبقات نظامی در طبقات ممتاز اجتماعی / وجود دژ حکومتی در ساختار کالبدی شهر / استفاده از عناصر طبیعی در حفاظت از شهرها			
۰		عدم وجود طبقات اجتماعی به‌عنوان طبقات ممتاز در شهرها و جدا نمودن این طبقات از اکثریت ساکنان شهر / وجود نظام کاستی در شهر ساسانی و جلوگیری از بر خورداری یکسان از امکانات / نقض عدالت است / انسان‌گرایی توجه به دید ناظر و تناسب و مقیاس انسانی و آسایش انسانی در طراحی نماها			
۱۰۰		اصل مردم‌واری / پرهیز از ایجاد فضاهای مسلط و بناهای سلطه / اصل تعادل و توازن / تعادل فضایی و توازن کالبدی. هماهنگی و هم‌آوایی عناصر / اصل وحدت / اصل تقارن / اصل تناسب / اصل همکاری / اصل محوربندی فضایی / اصل سلسله‌مراتب / اصل استقلال فضاهای در عین وحدت / فضا / اصل سامان‌بندی حرکت در درون فضا / اصل تقدم / اصل ریتم / اصل انسجام / اصل نظم / اصول سلسله‌مراتب / اصل کثرت / اصل تمرکز / اصل تجمع / اصل عدم تمرکز / اصل تباین / اصل اتصال / اصل تناسب / اصل تداوم / اصل توازن / اصل قلمرو / اصل ساده‌گی / اصل پیچیدگی / اصل استقرار / اصل ترکیب / اصل ایجاز			

ردیف	معیار یا شاخص (صفت / رکن)	بررسی زیرشاخص در آموزه‌های اسلام	بررسی کیفی شاخص		
			دارای تطابق (+)	دارای تطابق میانه (-/+)	فاقد تطابق (-)
۱۱	بهداشت	جنبه‌های مادی و روانی به همراه دارد/ از سوی دیگر راه رسیدن به زیبایی/ جامعه‌ای را موفق می‌داند که جسم و روان مردم در آن سالم باشد/		-/+	۵۰

یافته‌ها

براساس آنچه تاکنون مورد مطالعه قرار گرفت می‌توان مهم‌ترین شاخص‌ها را جهت بررسی موضوع به شرح ذیل معرفی نمود.

تجلی توحید: اصل توحید به‌عنوان صفت ممیزه اسلام با سایر مکاتب و ادیان، تأثیری بنیادین بر شهر اسلامی دارد که این تأثیر را در زمینه‌های متفاوت می‌توان مشاهده نمود. این صفت منبع الهام مسلمانان در کلیه فعالیت‌هایشان از جمله هنر، معماری و شهرسازی است (صابرمنش و همکاران، ۱۴۰۱: ۳). در واقع شهر تذکر جامعه به عبودیت آنان در برابر خالق یکتا به طرق گوناگون است و فی‌الواقع همه‌چیز بر این اصل تأکید دارد. این صفت در قالب «وحدت» در حوزه‌های مختلف قابل‌نمود است همچون وحدت جامعه، وحدت طبیعت و وحدت کالبد (نقی‌زاده، ۱۳۸۹: ۴). وحدت جامعه یعنی در جامعه شهری آثار وحدت و نه تفرق میان آحاد مردم ساکن

در شهر مشاهده گردد. زیرا این وحدت ضامن تعالی و رشد آحاد جامعه است. لازم به ذکر است در تفکر اسلامی محور این وحدت تنها ریسمان الهی است و انتخاب محوری جز ریسمان الهی برای وحدت عین تفرق و ضد وحدت مطلوب تلقی می‌شود. لیکن در این مطالعه صرف‌نظر از تفکر صرفاً مذهبی، هدف بررسی صفات مترتب از دین اسلام در اصول شهرسازی است. از راه‌های تقویت وحدت جامعه عبارت است از وضع قوانین و مقررات، کاهش تقابل بین اقشار مختلف از جمله همسایگان، فروشنده و خریدار، حافظین قانون و مردم، سلسله‌مراتبی بودن شهرها، ایجاد فضاهایی برای ایجاد امکان برخورد و تماس مردم با یکدیگر و... «وحدت کالبد» یعنی کالبد شهر باید به دور از قطب‌بندی‌هایی که تجلی کالبدی دارند، باشد و از محلات و اجزایی متجانس و بهره‌مند از امکاناتی هماهنگ که دارای مقیاس انسانی در مقیاس فضاها

و ابنیه است تشکیل شده است. «وحدت طبیعت» یعنی نه تنها در شکل‌گیری و گسترش شهر از قوانین حاکم بر عالم بهره گرفته می‌شود، بلکه شهر بر ضد طبیعت یا مخرب و عامل فساد در طبیعت نبوده و بالعکس وسیله عمران و اصلاح زمین می‌باشد. در بررسی صفت تجلی توحید در شهرهای ایرانی می‌توان گفت در دو بخش وحدت جامعه و طبیعت، مصادیقی از تطابق دریافت می‌گردد که از جمله آن می‌توان به مواردی اشاره نمود از قبیل: ایجاد اصلاحات و تشکیلات اداری جهت حفظ و حراست از سرزمین، شکل‌گرفتن بافت هر شهر تحت تأثیر ویژگی‌های طبیعی و عوامل سرزمینی، وجود عنصری به نام بازار، آگورا، میدان، فوروم و .. (حبیبی، ۱۳۷۸: ۵۵) که موجبات تعاملات اجتماعی را فراهم می‌نماید، تسهیل تجارت و وصول مالیات از طریق ضرب سکه و ایجاد روابط پولی مناسب به منظور جلوگیری از تقابل خریداران و فروشندگان، ایجاد شبکه‌های آبیاری به منظور استفاده مناسب از آب و آباد نمودن سرزمین، وجود اتحاد حکومت‌های کوچک و سلسله‌مراتبی بودن قبایل در زمان مادها، آزادی در مذهب و عقاید دینی در میان اقوام مختلف متحد با یکدیگر (به تبعیت از یک معبود بزرگ)، وجود میدان‌های ورزش و محل شورای شهر و ساختمان تجمع مردم، امتیازات مختلف اعطاء شده به شهرها از جمله تأمین منافع معابر و عدم ورود مأمورین حکومتی به شهر، وجود وحدت اجتماعی کار، هگمتانه تیلور وحدت و یگانگی سه جامعه ایلی، روستایی و شهری، ساخت شار بر مبنای باورهای دینی و متأثر از مقوله جهان‌بینی ... لیکن در خصوص وحدت کالبدی بنا بر مطالعات انجام شده می‌توان بر عدم تطابق اصول با آموزه‌های اسلام نظر داد که از جمله مصادیق آن می‌توان به تمایز و تقابل دستگاه‌های حکومتی با مردم به صورت

فضایی موسوم به کهندژ که توسط بارو و خندق از سایر فضاهای شهری جدا می‌شده است، وضعیت نامطلوب روستاییان بر اثر مالیات‌های روزافزون، تقسیمات اجتماعی بر پایه وظیفه کاری به سه دسته انروان، رشتن و وستریوشان، وجود قشر بندی‌های اجتماعی، وجود نظام کاستی در دوره ساسانی و ... اشاره نمود.

عبودیت و عبادت: عبودیت به معنای اعلام و اظهار بندگی است که نه تنها در قالب عبادات معمول که در همه قلمروهای زندگی قابلیت ظهور و بروز دارد، بلکه در مجتمع‌های زیستی مسئله نیز به دو گونه مطرح است (صابرمنش و همکاران، ۱۴۰۱: ۳). یکی القاء بندگی حق و زمینه‌سازی برای امکان ظهور و دیگر توجه به عناصر شاخص عبادی و نیایشی، همچون مساجد، حسینیه‌ها، تکایا، بقاع متبرکه و هر نوع مکان مذهبی دیگر (نقی‌زاده، ۱۳۷۷: ۵۲). در خصوص شهرهای ایران قبل از اسلام نیز همواره در هر دوره‌ای ساختارهای مذهبی وجود داشته است مثلاً وجود شهر - معبد در دوره مادها، وجود معابد در دژهای حکومتی هخامنشی و اشکانی و ساخت آتشکده‌ها در دوره ساسانیان و از طرفی تنفیذ برخی اختیارات در دوره‌های مختلف به طبقه روحانیت از جمله واگذاری نقش روحانیت به قوم مغ و یا تبدیل روحانیت به طبقه‌ای مجزا و حتی ممتاز در سایر دوره‌ها تماماً حاکی از وجود عبادت متناسب با مذهب زمانه خود است. تقوی: اهمیت تقوی به عنوان ارزش اسلامی تنها عامل برتری افراد بر یکدیگر است. یعنی شهر اسلامی رشددهنده تقوای الهی، از بین‌برنده تجاوز به حقوق سایرین و تذکردهنده ارزش‌هاست (نقی‌زاده، ۱۳۷۷: ۵۲). این در حالی است که تقریباً در تمام دوران قبل از اسلام در شهرهای ایرانی با تمایز میان ساکنان مواجه هستیم. تمایزی که نه بر مبنای تقوای الهی و پاکی ذات افراد بلکه بر مبنای میزان ثروت، قدرت، نزدیکی

بوده است. همچنین مجموعه‌های شهری به‌وسیله حصارهای طبیعی، کوه، تپه، رودخانه، جنگل و از فضای بیرون خود جدا می‌شده‌اند که این امر نشان‌دهنده استفاده از عوارض بدون تغییر در آنها جهت تسهیل زیست است. دوم آنکه شواهدی موجود است از ستایش عناصر طبیعی و تقدیس آنها در میان ایرانی‌ها در زمان‌های قدیم. به‌عنوان مثال در زمان اشکانیان احترام به خاک به‌موازات احترام به خورشید مورد تقدس قرار می‌گرفته است. از طرفی عبادت و پرستش عناصر طبیعی همچون آفتاب، ماه، ستاره و خورشید نشان از اهمیت طبیعت در میان ایرانیان قدیم بوده است. در زمان هخامنشیان به خدایان تثلیثی هورامزدا، مهر و ناهید همچون دین زردشت اعتقاد داشته‌اند و عناصر طبیعی چهارگانه آتش، آب و باد و خاک مورد تقدیس و احترام بوده است. از طرفی جشن‌های سالیانه ایرانیان قدیم با تغییرات طبیعی رابطه داشته و در مراسم مذهبی برگزار می‌شده است مانند جشن مهرگان، سده، میان‌بهار، میان‌سال، دانه‌آور که خود نشان‌دهنده تقدس طبیعت است. در خصوص مورد دوم نیز می‌توان به مصادیقی اشاره نمود. به‌عنوان مثال وجود نقوش سمبلیک و مذهبی در مجموعه‌های مذهبی از قبیل تخت جمشید یا پارسه و یا استفاده از نقوش^۱ مذهبی بر روی وسایل و ابزارها، معابد و مقبره‌ها، سکه‌ها.

عدالت: ویژگی بارز فعل الهی و اصل اساسی اسلام در شهر اسلامی آن است که شهر باید تجلیگاه «عدل» باشد (نقی‌زاده، ۱۳۷۷: ۴۷). این عدل تنها به عدالت قضایی و یا عدالت اجتماعی منحصر نشده و می‌تواند در همه ابعاد زندگی و افعال انسان تجلی یابد. در شهر اسلامی عدالت از بسیاری از جهات قابل توجه است از جمله امکان دسترسی

به شخص حاکم و... ایجاد می‌شده است. وجود طبقات اجتماعی و نظام کاستی و جدا بودن محل زندگی آحاد مردم از طبقات اجتماعی موجود در شهر تأکیدی بر این مطلب است.

تذکر: شهر اسلامی باید برای اهلیش به‌عنوان مذکر عمل کند و اهلیش را به اصول و ارزش‌هایی متذکر گردد. این حالت تذکردهی در شهر در سه مقوله قابل بررسی است: یکی تماس مداوم و نزدیک با طبیعت و عناصر طبیعی و حداقل دخالت انسان که آن را از حالت بکر بودن خارج نموده و بر نقش انسان در شکل‌دهی آن تأکید نماید. این طبیعت منحصر به گیاه نیست بلکه آب، نور، هوا و موجودات زنده نیز مصادیقی از آن است. دوم بهره‌گیری از آیات قرآنی در ترکیب با سایر هنرها در جایجای شهر مانند کتیبه‌های قرآنی دیوار مساجد و سایر بناها و سوم بهره‌گیری از نمادها و نشانه‌ها (چه آیات الهی و چه نمادهایی که در فرهنگ اسلامی رشد یافته‌اند) می‌باشد (نقی‌زاده، ۱۳۷۷: ۵۴). در شهرهای ایرانی نیز می‌توان در خصوص برخی موارد مصادیقی را بیان نمود. در خصوص تماس با طبیعت می‌توان از سه جنبه موضوع را مورد بررسی قرار داد. اول آنکه اغلب سکونتگاه‌های اولیه در دلتا یا دره رودها احداث می‌شده‌اند که خود نشان‌دهنده استفاده از طبیعت برای حیات و تلاش در جهت حفظ طبیعت به‌منظور ادامه حیات دارد (یوسفیفر، ۱۳۸۹: ۱۴۷). در ساخت شهرهای هخامنشی صراحتاً در منابع بیان شده است که پس از احداث آب انبار (استفاده صحیح از منابع طبیعی) و منازل اقدام به احداث باغ و بستان می‌نموده‌اند. در واقع شهرها در حوزه رسمی خود باغ و بستان داشته و در لابه‌لای آنها زراعت و کاشت را سامان می‌داده‌اند. همچنین در ساخت کالبد شهر وجود عوارض طبیعی در ساخت بخش‌های مختلف شهر تأثیرگذار

۱. لازم به‌ذکر است تا قبل از اسلام از نقوش به‌عنوان کتیبه استفاده می‌شده است.

اهالی به مراجع رفع ظلم، تنظیم روابط اجتماعی و نظارت بر رعایت آن، دسترسی متناسب کلیه آحاد به امکانات عمومی، تسهیل ارتباط انسان‌ها و فقدان امکان تجاوز به حقوق دیگران. درخصوص بررسی اصل عدالت در شهرسازی ایرانی قبل از اسلام نیز می‌توان در برخی موارد مصادیقی متصور شد مثلاً ایجاد نظام سلسه‌مراتبی در ساختار اجتماعی و تنظیم روابط و قوانین توسط اقدار جهت استفاده همگان و تنظیم قراردادهایی جهت تعیین حقوق افراد در استفاده از برخی منابع مانند آب. لیکن به دلیل وجود مصادیق متضاد با مفهوم عدالت از جمله وجود نظام کاستی و جلوگیری از برخورداری یکسان از امکانات برای همگان و به‌طورکلی عدم وجود مصادیق کامل درخصوص تمامی شاخص‌های عدالت، امکان فرض قطعیت در این خصوص وجود ندارد.

اصلاح: نقش پسندیده انسان طبق آموزه‌های دین اسلام در زمین «اصلاح» و اجتناب از «فساد» است. به تبع این نقش، شهرسازی نیز که از اثرات مهم انسان در زمین است بایستی صیغه‌ای از اصلاح در زمین، اصلاح در روش زندگی و... را به نمایش گذارد. بنابراین می‌توان گفت شهر اسلامی در پی اصلاح زمین است و نه فساد در آن و به عبارتی زمینه‌ساز بهره‌گیری مناسب از طبیعت برای اهدافی که برای نهایت زندگی انسان مقرر گردیده است (نقی‌زاده، ۱۳۷۷: ۵۵). با توجه به منابع اصلاح زمین به‌عنوان کلیتی جامع مشتمل بر همه فعالیت‌های انسان فرض می‌گردد، لذا عمران و آبادی زمین وجهی از آن خواهد بود. در بررسی صفت «اصلاح» در شهرهای ایرانی می‌توان به مصادیقی اشاره نمود که نشان‌دهنده تأیید صحت آن است. یعنی همواره در طول تاریخ ایرانیان به دنبال اصلاح و رفع محدودیت‌های طبیعی و بهره‌گیری از فرصت‌های موجود در جهت اصلاح شرایط طبیعی و آبادانی

سرزمین بوده‌اند از جمله آن می‌توان به یکی از مهم‌ترین اسناد تاریخی قدیم یعنی «دیوان کاست‌افزود در دوره ساسانیان» اشاره نمود. وجود این دیوان مؤید این نکته است که در زمان ساسانیان به احداث یا نظارت بر احداث کانال‌های آبیاری و همچنین بهره‌برداری از آنها توسط نظام و دستگاه دیوانی خاص اهتمام می‌ورزیده‌اند. موضوع آبرسانی و احداث نهر، قبل از اسلام یکی از موضوعات مهم بوده، چنانکه در کتاب «آئین نامک» در زمان ساسانیان که قسمتی از آن به قوانین و دستورالعمل‌های آبیاری اختصاص دارد، گفته می‌شود در دوران پارت‌ها (سلسله اشکانیان) برای اولین بار برنامه احداث شبکه‌های آبیاری در ایران، به اجرا درآمده است. در این دوران نهرها و کانال‌هایی در زیر (قنات) و روی زمین در سطح کشور احداث شده، به این ترتیب تمامی فلات ایران را مشروب و قابل بهره‌برداری کرده‌اند. حفر قنات‌ها در زمان اشکانیان، احداث سدهای سنگی بر روی رودها، بهره‌گیری از طبیعت در دستیابی به موفقیت در امور کشاورزی، تلفیق آئین مذهبی و تفریحی با طبیعت، تقدس خدایان نگهبان عناصر طبیعی از جمله آناهیتا و... نیز همه تأییدی دیگر بر این امر است. عبرت: تعالیم اسلامی در اکثر موارد بسیاری از مسلمین را دستور به عبرت‌گیری امر فرموده که هدف اصلی بر عبرت‌گیری از آثار پیشینیان می‌باشد (نقی‌زاده، ۱۳۷۷: ۴۷). در واقع تداوم تاریخی شهر و ارتباطش با گذشته آن یکی از مقولات مهم در شهر اسلامی است. از مطالعه تاریخ ایران و منابع موجود صراحتاً در بسیاری از موارد بازگشت دوره‌ها به اقدامات دوره‌های قبل و یا استفاده از خط و مشی آنها در ساخت زیستگاه‌های خود را شاهد هستیم. مثلاً براساس منابع قابل درک است که اولین «شار» مادی الهام گرفته از «شهر- تپه»‌های بین‌النهرین (زیگورات) شروع و با شکوفایی شارهای پارسی به اوج

ممتاز که نشان‌دهنده اهمیت امنیت در این شهرها است (اکبری نصرآبادی و همکاران، ۱۳۹۵: ۵)، تجهیز شدن شهرهای سرحدی از دیدگاه نظامی جهت حفاظت از زمینه‌های میانی و جاده‌های شاهی، ایجاد گروه‌های انتظامی ویژه در برخی شهرها که به منظور مراقبت از جاده‌ها همراه با کاروان‌های بزرگ حرکت می‌کردند، احداث شهرهای نظامی و شهرهای مرزی در نقاط حساس، الگوی دایره‌های شهرها در زمان پارتیان که به منظور کنترل حملات خارجی و جدال‌های داخلی طرح‌ریزی می‌شدند.

میانه: این صفت در معنای تعادل و میانه‌روی خود جزیی و یا به عبارتی عین عدل است. در شهر اسلامی نشانه‌ای از ریا و تفاخر به چشم نمی‌خورد، در شهر اسلامی اکثر امکانات در خدمت عده‌ای خاص نیست و اهمیت‌ها تقسیم شده‌اند. در شهر اسلامی توجه به برخی کمتر و به بعضی بیشتر نیست. در خصوص بررسی این صفت در شهرهای ایرانی به توضیحات در باب صفت «عدالت» رجوع می‌شود (پورمحمدی و همکاران، ۱۳۹۸: ۴۲).

اصول ساخت شهر: شرایط طبیعی فلات مرکزی ایران و زمینه‌ای حاصلخیز آن در مجاورت منابع آب عامل اصلی پیدایش سکونتگاه‌های انسانی است. (پوراحمد، پوراحمد، ۱۳۹۱: ۲۳) اصول و عوامل شکل‌گیری شهر در ایران قبل از اسلام معطوف به نحوه نگرش به جهان و اقتصاد، تولید و توزیع ثروت، حرکت گردش کالا و محیط و به‌طور کلی عناصر محیط‌زیست طبیعی است. دولت‌ها بر وحدت اجتماعی جامعه تأکید داشتند. تعریف دقیق سازمان فضایی در این دوره کاملاً مشهود است. ایجاد شبکه معابر، مبنای طراحی بر اساس مقیاس انسانی بوده است. توسعه شهرهای ایرانی علی‌رغم ورود اسلام به این منطقه برپایه زیرساخت‌های شهری قبل از

خود می‌رسد. در جایی دیگر صراحتاً به این مطلب اشاره شده است که آموختن مظاهر تمدن و پایه‌های آن از بین‌النهرین، سبب می‌گردد. در جایی دیگر ذکر شده است که دولت ساسانی در ساخت چهره کالبدی و سازمان فضایی شار خود به ساخت‌وساز کهن دولت هخامنشی رجوع کرده و با به هنگام کردن شار پارسی این دوران، شار خود را شکل بخشیده‌اند (خسروآبادی و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۲۲). همچنین بازگشت اشکانیان به شیوه پارسی و دگرگونی در شهرهای هلنی قبل از خود است.

امنیت: در جامعه اسلامی اهمیت امنیت به اندازه‌ای است که اولین وظیفه مسلمین در تماس با یکدیگر القاء این مطلب است (نقی‌زاده، ۱۳۷۷: ۵۷). امنیت دارای ابعاد مختلفی است از جمله امنیت اجتماعی، امنیت در برابر تهاجم بیگانه، امنیت در مقابل بلایای طبیعی، امنیت در مقابل عوارض فعالیت‌های انسان و... شهر اسلامی زمینه آزار رساندن و آزار دیدن اهل شهر را از بین می‌برد ضمن آنکه امنیت لازم را برای ساکنین در مقابل پدیده‌های خارجی تأمین می‌نماید. قبل از بررسی این ویژگی در شهرهای ایرانی لازم به توضیح است که یکی از اولین و مهم‌ترین اصول در ساخت هر شهر فارغ از مکتب فکری، اعتقاد و... بحث امنیت به‌ویژه امنیت در مقابل بیگانگان است. این صفت در شهرهای ایرانی دارای مصادیق بسیاری است که از جمله آن می‌توان به موارد زیر اشاره نمود: استفاده از حصارهای طبیعی پیرامون سکونتگاه‌ها به منظور تأمین امنیت، ایجاد پادگان‌های نظامی مستقر در شهر پارسی - هلنی که به پاسداری از منطقه حوزه نفوذی شهر می‌پرداخته است (رشتی و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۸۱)، حضور دیوان‌سالاران و نظامیان در زمان اشکانیان و جنگاوران و سپاهیان در دولت ساسانیان به‌عنوان یکی از طبقات

اسلام ادامه یافت. حفظ سه بخش اصلی مانند قبل به صورت ویژه بعد از اسلام نیز در شهرهای ایرانی مورد تأکید قرار گرفت. با این تفاوت که نوعی معنویت و ترکیب و ایدئولوژی اسلامی بین این عناصر حاکم شد (پورا احمد، ۱۳۹۳: ۳۰).

بهداشت: بهداشت عمومی در پیشینه ایران باستان قدمت چند هزار ساله دارد. دانش عمومی پزشکی اذعان دارد، در روزگاران قدیم ایرانیان اقدامات بهداشت عمومی در بعضی زمینه‌ها را دارا بوده‌اند. توجه به آب و اهمیت آن در ایران باستان با توجه به متون آئینی به طوری که آب، خاک، آتش و هوا نباید آلوده شوند، مطرح است (خالندی، شنو، ۱۳۹۶: ۱۱۴). در دین اسلام بهداشت در جنبه‌های مادی و روانی بحث می‌کند. دین اسلام جامعه‌ای را موفق می‌داند که جسم و روان مردم در آن سالم باشد. از سوی دیگر راه رسیدن به زیبایی را رعایت بهداشت معرفی می‌کند.

بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به بررسی‌های انجام شده و لحاظ

نمودن فرضیات اولیه پژوهش، همچنین استناد به فرض استنباطی - تحلیلی پژوهش (جدول ۶)، می‌توان به نتیجه نهایی دست یافت. در این مطالعه با جمع نهایی امتیازهای به‌دست آمده و به‌دست آوردن درصد عددی معادل با ۶۳/۶۴ به‌عنوان میزان درصد بی‌تأثیری به‌دست آمده است. این بدان معناست که شهرسازی ایرانی تنها حدود ۳۶/۳۶ درصد از آموزه‌های اسلام تأثیر گرفته است. در تحلیل این موضوع مطابق با آنچه در جدول شماره ۷ ارائه شده است می‌توان گفت در واقع در بررسی ۱۱ شاخص ارزیابی انتخاب شده در این مقاله حدود ۶۳/۶۴ درصد تطابق اصول شهرسازی ایران با آموزه‌های اسلام ارزیابی شده است که نشان‌دهنده وجود یک مکتب نسبتاً کامل در حوزه شهرسازی در ایران است. از طرفی در ۳۶/۳۶ درصد از مطالعات، عدم تطابق بین ادبیات موضوعی ارزیابی شده است که این میزان وجود فاصله جهان‌بینی را نشان می‌دهد. که با فرض اجرای تمام‌عیار آموزه‌های اسلام در بطن شهرها می‌توان به یک تطابق ۱۰۰ درصدی رسید.

جدول شماره ۶: فرض استنباطی - تحلیلی پژوهش

میزان و نحوه تأثیرگذاری آموزه‌های اسلام در شهرسازی ایرانی	درصد تأثیرگذاری
ورود اسلام به ایران با یک جراحی تمام‌عیار در اصول شهرسازی همراه بوده است.	۰ - ۳۳ درصد
ورود اسلام به ایران به صورت یک مرهم ترمیمی در جهت اصلاح برخی موارد عمل نموده است.	۳۳ - ۶۶ درصد
ورود اسلام به ایران بدون تأثیرگذاری یا تنها به صورت تأثیرپذیری تقویتی ظاهر شده است.	۶۶ - ۱۰۰ درصد

جدول شماره ۷: نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها

درصد	امتیاز شاخص در آموزه‌های اسلام (فرض پژوهش)	درصد	امتیاز شاخص در شهرسازی ایرانی (یافته‌های پژوهش)
۱۱۰۰	۱۰۰	۶۳/۶۴	۷۰۰

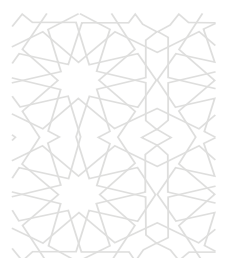
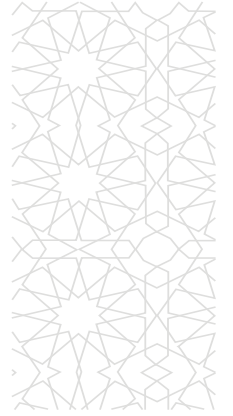
براساس نتایج و اطلاعات به‌دست آمده می‌توان اذعان نمود که در مکتب شهرسازی ایران قبل از ورود اسلام در مقایسه با آموزه‌ها و ارکان دین اسلام در مواردی از جمله

تقوی، عدالت، میانه و وحدت کالبد عدم تطابق وجود دارد. در بررسی موضوعی این شاخص‌ها می‌توان بدین موضوع پی برد که مهم‌ترین معضل و فقدان در اصول شهرسازی

به دوره‌های تاریخی ایران زبانزد و پیشرو بوده است و سبب ایجاد تغییراتی در این راستا شده است. لیکن در خصوص مباحث ساخت کالبدی شهر، اصول و ضوابط شهری و... شهرسازی ایران زبانزد است.

بر اساس موارد ذکرشده می‌توان گفت در تمامی شاخص‌های بررسی شده چه شاخص‌های مرتبط با بعد انسانی و چه شاخص‌های مرتبط با بعد محیطی هر دو مورد (اصول شهرسازی ایران و آموزه‌های اسلام) دارای مصادیقی درخور توجه است. لیکن نحوه نگرش در آنها با یکدیگر متفاوت است. به‌عنوان مثال عدالت در آموزه‌های اسلام شامل ابعاد کمال انسانی است لیکن در اصول شهرسازی ایرانی عدالت متمرکز بر بعد زیست و مکانی است. بنابراین تغییر نگرش‌ها خود گاهاً باعث ایجاد تغییرات گسترده در متد و شیوه عملیاتی می‌گردد. بنابراین پذیرش تأثیرگذاری اسلام بر اصول شهرسازی ایران انکارناپذیر است لیکن میزان تأثیرگذاری آن حائز اهمیت است. گاهی این نگرش یا متد در بستر شده است و گاه تنها به‌صورت موردی و جزئی عمل نموده است. این امر از یافته‌های حاصل از پژوهش قابل دریافت است. در ۶۰ درصد شاخص‌ها میزان تغییرپذیری شاخص‌ها به‌صورت جزئی و موردی است و در ۴۰ درصد شاخص‌ها تغییرپذیری به‌صورت عمده و بنیادی ارزیابی شده است. در آخر می‌توان گفت نبود بازتاب ایدئولوژی اسلامی در کالبد فیزیکی شهر و از طرفی وجود بستر فیزیکی منطبق با اصول شهرسازی از پیش تعیین‌شده در ایران منجر به تلفیق آموزه‌های اسلام با اصول شهرسازی ایران شد. که مسیری در جهت تقویت هر دو بخش فراهم گردید. این امر علاوه بر هویدا شدن الگوهای نادیده گرفته شده در ایران از جمله: هویت- تأثیر متقابل انسان- فرهنگ- زیست و محیط زندگی به اشاعه ارکان اسلامی از

ایرانی طرز تلقی آن از بعد انسانی ساکنان یک شهر است. در واقع شاید بتوان گفت بعد انسانی در این ساختار در ارتباط با سایر ابعاد سنجیده و ارزیابی می‌گردد. در صورتی که در اسلام شخصیت انسانی صرفاً به‌دلیل انسان بودن برای همگان یکسان و برابر فرض می‌گردد. با توجه به این طرز تلقی شاهد تفاوت‌هایی در صفات مرتبط با ابعاد انسانی هستیم. در توجیه این امر می‌توان گفت چنین طرز تلقی به یقین از جانب مذهب و دین اعمال نشده است زیرا همه ادیان از جانب یک آفریدگار بوده و منزلت انسانی را محترم می‌دانند لیکن ساختار حکومتی دوران مذکور و در رأس قرار گرفتن حاکم مطلق در تمام دوران‌های تاریخی عامل اصلی بروز این تفاوت‌ها است. به‌عبارتی در صفاتی که مرتبط با عدالت‌پروی در میان ساکنان یک شهر است و یا به‌عبارتی صفاتی که مرتبط با برابری محلات، ساکنان و شهر در برخورداری از امکانات، تسهیلات، آسایش و رفاه است، دارای تناقض است. تمامی موارد مذکور ناشی از اقدامات حاکمان و دیدگاه آنها در ایجاد تمایز بین حاکمان و نزدیکان آنها با سایر اقشار مردم است. در این راستا همواره در تمام دوره‌های تاریخی مذکور طبقات ممتاز اجتماعی در شهرها تعریف و حتی مکان زندگی آنها جدا از سایر اقشار مردم در نظر گرفته می‌شده است. اما در خصوص سایر موارد که عمدتاً مرتبط با ساخت کالبدی و ارتباط آن با طبیعت است می‌توان گفت در شهرسازی ایرانی (قبل از اسلام) به‌لحاظ اصول مربوط به کالبد شهری، تفکر جامعی موجود بوده است و این تا به‌حدی است که حتی پس از ورود اسلام همین اصول پایه‌ساز ایجاد شهرهای اسلامی شده است (این امر از بررسی صفت عبرت در آموزه‌های اسلام و نیز بررسی شهرهای دوران اولیه پس از ورود اسلام قابل درک است). در واقع می‌توان گفت آموزه‌های اسلام در بعد منزلت انسانی نسبت



جمله فلسفه- انسان شناسی- جهان بینی اسلامی در ایران کمک نمود. قطعاً انطباق میان مکتب شهرسازی ایرانی و آموزه های اسلام وجود داشته و دارد، لیکن میزان و نحوه اثر بخشی اسلام در اصول شهرسازی ایرانی به صورت مرهم ترمیمی و در جهت اصلاح نواقص در ابعاد عدالت پروری و برابری انسانی عمل نموده است.

منابع

اصغری، محمود (۱۳۸۵) «راهبرد دین و توسعه در اندیشه شهید مطهری» پژوهش های اجتماعی اسلام، ۵۸ (۱۲)، صص ۹۳-۱۲۲. <http://noo.rs/tsOaa>

اکبری نصرآبادی، محمد و سیداحمد صمدیان و حسین حامدی و حسین مرادیان و کوروش محمدی و علی روشن (۱۳۹۵) «وضعیت نظام طبقاتی در عهد ساسانی»، کنفرانس بین المللی پژوهش در مهندسی، علوم و تکنولوژی. SID. <https://sid.ir/paper/865762/fa>

بمانیان، محمدرضا (۱۳۹۳) «شهر ایرانی اسلامی: معنا و مفهوم شناسی شهر ایرانی- اسلامی، مبانی نظری و مصداق ها.» کنفرانس ملی برنامه ریزی و مدیریت شهری. SID. <https://sid.ir/paper/836052/fa>

پوراحمد، احمد (۱۳۹۳) «فضای شهری در ایران قبل و بعد از اسلام»، ششمین کنفرانس ملی برنامه ریزی و مدیریت شهری با تأکید بر مؤلفه های شهر اسلامی، مشهد. <https://civilica.com/doc/349481>

پورجعفر، محمدرضا و علی پورجعفر و سیما صفدری (۱۳۹۴) «انواع شهر اسلامی و اشاراتی به نحوه شاخص سازی در راستای شهری آرمانی- اسلامی»، پژوهش های معماری اسلامی، ۳ (۳) (پیاپی ۸)، صص ۳-۱۷. SID. <https://sid.ir/paper/409703/fa>

پورمحمدی، بحرینی و داودپور (۲۰۱۹) «شهر

اسلامی: تخیل یا واقعیت»، دانش شهرسازی، ۳۳ (۲)، صص ۳۳-۴۷. [10.22124/upk.2019.13124.1184](https://doi.org/10.22124/upk.2019.13124.1184)

تقی زاده، محمد (۱۳۸۹) «روایتی ایرانی از حکمت، معنا و مصادیق هنر»، ۱، ۹۶۴۴۲۶۴۲۳۱، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

حاج سیدجوادی، سیدکمال (۱۳۹۰) «واژگان سلامت در ادب پارسی»، پایش، ۱۱ (۱)، صص ۱۳۹-۱۴۹. SID. <https://sid.ir/paper/23362/fa>

حبیبیان، هما و نسیم جلالیان (۱۳۹۴) «تطبیق شاخص های شهرسازی اسلامی در فضای شهری». همایش ملی معماری و شهرسازی بومی ایران. SID. <https://sid.ir/paper/826668/fa>

حبیبی، سید محسن (۱۳۹۷)، «از شار تا شهر (تحلیلی تاریخی از مفهوم شهر و سیمای کالبدی آن، تفکر و تأثر)»، ۹-۰۳-۰۳-۹۴۶-۹۷۸، تهران، دانشگاه تهران.

حراغاملی، محمدبن حسن و ابوالحسن شعرانی و محمد شریف رازی و عبدالرحیم ربانی شیرازی (۱۳۷۲) «وسائل الشیعه». قم، موسسه آل البیت لاحیاء التراثف.

حکیمی، محمدرضا و محمد حکیمی و علی حکیمی (۱۳۸۸) «الحیات»، احمد آرام، قم، دلیل ما.

خالندی، انور، افشار شنو (۱۳۹۶) «بررسی بهداشت عمومی در ایران باستان با تکیه بر بهداشت آب و خاک و هوا»، تاریخ نامه خوارزمی، ۱۸. <http://noo.rs/KQkkB>

خسروآبادی، مریم، و کیوان کریمی الوار (۱۴۰۰) «واکاوی اهمیت تاریخی گذرگاه ترمذ. تاریخ ایران»، پژوهشنامه علوم انسانی، ۱۴ (۲)، صص ۱۱۵-۱۳۱. SID. <https://sid.ir/paper/965933/fa>

رشتی، بهاره و محمدکریم یوسف جمالی و ناصر جدیدی و فیض اله بوشاسب گوشه (۱۴۰۱) «بررسی و مقایسه شهرسازی اشکانی و ساسانی با رویکردی به مؤلفه های سیاسی، اجتماعی

۴(۱)، صص ۱۷-۲۶. <https://sid.ir/paper/249083/fa>

کلینی، محمدبن یعقوب (۱۳۷۶) «اصول کافی»، قم، اسوه.

مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق) «بحارالانوار»، عبدالزهراء حسینی، بیروت، وفا.

مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۹۰) «تفسیر نمونه» جلد ۱، تهران، امام علی ابن ابی طالب (ع).

نجفی، موسی و سیدسعید آریانزاد (۱۳۹۵) «بازسازی تمدن نوین اسلامی (نگاهی انتقادی به عدم امکان سنجی صحیح آن)». جستارهای سیاسی معاصر، ۷(۳)، صص ۵۹-۸۲. [SID. https://sid.ir/paper/233523/fa](https://sid.ir/paper/233523/fa)

نقی زاده، محمد (۱۳۸۹) «تأملی در چیستی شهر اسلامی»، مطالعات شهر ایرانی اسلامی، ۱(۱)، صص ۱-۱۴. <https://www.magiran.com/p871566>

نقی زاده، محمد (۱۳۷۷) «صفات شهر اسلامی در متون اسلامی» هنرهای زیبا، ۰(۴) صص ۴-۵. https://jhz.ut.ac.ir/article_17130.html

یوسفی فر، شهرام (۱۳۸۹) «الگوهای پیدایش شهر و شهرنشینی در تاریخ ایران»، مجله تاریخ ایران، ۳(۱)، صص ۱۴۵-۱۷۰. https://irhj.sbu.ac.ir/article_94465.html

و فرهنگی»، مطالعات هنر اسلامی، ۱۹(۴۷)،

صص ۱۷۴-۱۸۸. [SID. https://sid.ir/paper/1054119/fa](https://sid.ir/paper/1054119/fa)

رضوی نیا، سیدمحمدحسین (۱۳۹۷) «بررسی نشانه‌شناختی مکتب اصفهان در شهرسازی و معماری»، مدیریت شهری، ۱۷(۵۰)، صص ۶۳-۷۴. [SID. https://sid.ir/paper/91922/fa](https://sid.ir/paper/91922/fa)

رضی، شریف (۱۳۸۱) «نهج البلاغه» محمد مهدی فولادوند، تهران، ولی عصر.

صابرمنش، علیرضا و حسن احمدی و ناصر براتی (۱۴۰۰) «تیین مؤلفه‌های آموزش شهرسازی با تأکید بر شاخص‌های شهر اسلامی محورهای موضوعی: شاخص‌های شهر ایرانی اسلامی» مطالعات شهر ایرانی اسلامی، ۱۲(۴۶)، صص ۱-۱۶. [SID. https://sid.ir/paper/1041202/fa](https://sid.ir/paper/1041202/fa)

فولادوند، محمد مهدی (۱۳۷۷) «قرآن کریم»، تهران، دارالقرآن کریم.

قربانی، آناهیتا و راحله محرمی و فریبا حامد نسیمی و امیرحسن یعقوبی روشن (۱۳۹۷) «ضرورت بررسی شاخص‌های معماری ایرانی-اسلامی در طراحی شهرهای نوین با استناد به تاریخ معماری ایران». معماری شناسی، ۱(۳)، صص ۰-۰. <https://elmnet.ir/doc/2033723-85875>

کلانتری خلیل آباد، حسین و مهدی حقی و محسن دادخواه (۱۳۹۳) «مؤلفه‌های اجتماعی الگوی شهرسازی ایرانی و اسلامی». نقش جهان،

